

مؤلفه‌های حقیقت دعا از نظر شیعه و کاتولیک؛ وجوه شباهت و افتراق

ali1945reza@gmail.com

ک. مهاجر مهدوی‌راد / کارشناس ارشد ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

سید علی حسینی / دانشیار گروه ادیان و عرفان، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۵ - پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۰۷

چکیده

«دعا» در شیعه و کاتولیک جایگاه ویژه‌ای دارد؛ دعا در شیعه، به‌عنوان عبادت و مخّ عبادت تلقی شده و در کاتولیک، به‌عنوان حامل سرّ فصیح است. این مقاله با رویکرد تحلیلی و مقایسه‌ای، درصدد بررسی مقایسه‌ای مؤلفه‌های حقیقت دعا در این دو مذهب و بیان وجوه تشابه و تمایز آن دو است. روی‌آوری به خدا و طلب، دو مقوله «اصلی» و توجه قلب، فطری بودن مطلوب و عبودیت، از جمله مؤلفه‌های «مکمل» حقیقت دعا در شیعه است. صعود ذهن به‌سوی خدا و طلب، دو مؤلفه «اصلی» و حامل سرّ فصیح، حرکت محبت، الهام روح‌القدس، از جمله مؤلفه‌های «مکمل» حقیقت دعا در کاتولیک است. می‌توان گفت: در مؤلفه‌های اصلی، حقیقت دعا میان شیعه و کاتولیک، نوعی همپوشانی وجود دارد. توجه قلبی، روی‌آوری به خدا، شاهد دیدن خدا، از جمله مؤلفه‌های «مکمل» مشترک حقیقت شیعی و کاتولیکی هستند. ابتدائی دعای شیعی بر توحید محض و دعای کاتولیک بر تثلیث، محوریت دعای کاتولیک بر محبت و تأکید دعای شیعی بر خوف و رجاء، مسئله الهام‌کنندگی دعا، توسط روح‌القدس و پاسخ ایمان بودن دعا، از جمله وجوه افتراق مؤلفه‌های «مکمل» حقیقت دعای شیعی و کاتولیک است.

کلیدواژه‌ها: مؤلفه‌های دعا، حقیقت دعا، شیعه، کاتولیک.

Archive of SID

دعا در ادیان نقش و جایگاه مهمی دارد. به‌وسیله دعا، انسان با موجود یا موجوداتی فراتر از خود، به بیان احساسات و راز و نیاز می‌پردازد. انسان وقتی به خود و محدودیت‌های خویش و نیاز و فقر ذاتی خود می‌نگرد، خویش را سراسر ضعف و نیاز می‌یابد. از این رو، به شکل فطری در جستجوی قادر مطلق است که ضعف وجودی و نیاز او را برطرف نماید. اینجاست که شخص با تمام وجود، درصدد برقراری رابطه‌ای حضوری و متعالی با آن قادر مطلق برمی‌آید. این رابطه، همان دعا است که در تمام ادیان وجود دارد. از میان ادیان مختلف، اسلام و مسیحیت بر مسئله دعا تأکیدی ویژه دارد، به‌گونه‌ای که در روایات شیعی، دعا مخ و گوهر عبادت و در کاتولیک، به‌عنوان حامل سرّ عظیم؛ یعنی دربردارنده عقاید اصلی کلیسا تلقی شده است. اهمیت مسئله دعا و ضرورت تبیین حقیقت آن از یک‌سو، و لزوم گفتگوی بین ادیان، به‌ویژه میان اسلام و کاتولیک، که پیروان فراوانی در جهان دارند، بررسی مؤلفه‌های حقیقت دعا از منظر شیعه و کاتولیک و بیان وجوه اشتراک و افتراق آن را ضرورت می‌بخشد. دعا پژوهی در شیعه، در آثار مختلفی از جمله شرح دعای سحر امام خمینی^ع، نیایش از دیدگاه عقل و نقل اثر مملوحی، نیایش عارفان اثر فنایی اشکوری و سجاده‌های سلوک اثر آیت‌الله مصباح یزدی و کتاب‌های دیگر به شکل عام، مطرح شده است و به شکل خاص، می‌توان به مقاله «حقیقت دعا» اثر حمید پارسانیا، مقاله «دعا و نیایش در ادیان» اثر غلامرضا اکرمی اشاره کرد. در حوزه کاتولیک نیز می‌توان به کتاب تشبیه به مسیح اثر آکمپیس و الصلاة فی الحیاة اثر جان لافرانس، کتاب نماز کاتولیک و جامع الهیات آکونیناس جلد ۳۹ اشاره کرد که به مسئله دعا پرداخته‌اند. علی‌رغم مباحث مطرح‌شده، بحث تطبیقی در مؤلفه‌های حقیقت دعا و وجوه افتراق و اشتراک آن، از نگاه شیعه و کاتولیک مطرح نشده است. مؤلفه‌های «اصلی» حقیقت دعا از نظر شیعه و کاتولیک، سؤال اصلی و مؤلفه‌های «مکمل» دعا و نیز هدف و غایت دعا، سؤالات فرعی این مقاله هستند. این تحقیق به شکل تطبیقی، درصدد تحلیل و تبیین آنها برآمده و در نهایت جمع‌بندی ارائه کرده است.

الف. دعا در شیعه

مفهوم‌شناسی دعا

«دعا» در لغت، متوجه نمودن شیئی با صدا و کلام به خود است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۸) که مرادف نداست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۱۵). گاهی منظور از آن، مطلق خواندن است (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۳۴) مانند: «فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا» (نوح: ۶). از نظر صاحب التحقیق اصل و ریشه این ماده، خواستن و طلب است: «آنچه اصل و ریشه در این ماده است، همانا خواستن و طلب چیزی است که به‌سوی آن توجه می‌کند و به آن میل دارد و به‌سوی آن حرکت می‌کند بنابراین، نسبت به هر چیزی به‌حسب و اقتضای آن معنای مختلفی خواهد داشت» (مصطفوی، ۱۳۶۸، ص ۲۱۸).

دعا در اصطلاح، طلب خاضعانه فروتر از بالاتر است (حلی، ۱۴۰۷، ص ۱۲). دعای اصطلاحی، مربوط به گستره ارتباط بین بنده و پروردگار است. از این رو، دعای اصطلاحی عبارت است از: خدا را خواندن و به‌سوی او میل و رغبت پیدا کردن و با او رابطه برقرار نمودن (امینی، ۱۳۹۰، ص ۱۳) اعم از اینکه متعلق این خواندن و غرض دعاکننده ستایش خدا باشد، یا عرض حاجت یا نیاز و یا هر امر دیگری باشد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ص ۲۵۷).

مؤلفه‌های اصلی حقیقت دعا

با توجه به معنای لغوی و اصطلاحی دعا، آنچه در این تعریف‌ها، به‌عنوان هسته اصلی و حقیقی دعا مطرح است، روی‌آوری و طلب و خواستن بنده از پروردگار است. متعلق این طلب، به‌طور کلی تقاضای توجه و فیض خداوند نسبت به بنده است. این فیض، اعم از تقاضای برآورده شدن حاجت، عفو گناهان و به‌طور کلی، طلب هر کمال وجودی و یا صرف توجه خدا به بنده است.

بنابراین، حقیقت دعا روی‌آوری و طلب و خواستن عبد از مولاست. این خواستن، با هر انگیزه‌ای انجام شود، درواقع همان درخواست توجه و عنایت مولا به عبد است. بنده، که خود را ناقص و وابسته و نیازمند به مولای غنی خویش می‌بیند، طلب عنایت و توجه خدا را به خویش می‌نماید. پس می‌توان گفت: حقیقت دعا از نظر شیعه دارای دو مؤلفه اصلی است:

۱. روی‌آوری به‌سوی حق

عبد به هنگام دعا، رو به‌سوی حق می‌آورد (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۸۵۰) و با تمام وجود خدا را طلب می‌کند. این توجه، ممکن است ذاتی باشد یا حالی، باطنی باشد یا ظاهری، به لسان استعداد باشد، یا زبان حال و قال (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷). از این رو، دعا وقتی تحقق می‌یابد که شخص روی خویش به‌سوی پروردگار متعال نهد. این روی‌آوردن، در واقع ذکر و یاد خدا است که موجب تقرب انسان به خدا می‌شود (پارسانیا، ۱۳۸۰، ص ۱۲).

۲. طلب فیض و کمال

مؤلفه دیگر حقیقت دعا «طلب» است. چنانچه مطلق طلب را جنس فرض کنیم و ویژگی‌های گوناگونی همانند دعای تکوینی، دعای زبانی، دعای قلبی، دعای مخلوق، دعای خالق، دعای مردم در حق یکدیگر را فصل قرار دهیم، می‌توان مطلق طلب همراه با یکی از ویژگی‌های ذکرشده را نوعی دعا قرار داد (ممدوحی، ۱۳۸۳، ص ۴۶).

حال این طلب باید متعلق داشته باشد، به این معنا که مقوم معنای طلب در نظر گرفتن متعلق آن، یعنی مطلوب است. بنابراین، تنها راهی که می‌توان حقیقت دعا نامید. همان طور که در سوره نوح، دعا به معنای دعوت و طلب به کار رفته، اما حقیقت دعا نیست (نوح: ۶)، بلکه طلب به‌اضافه متعلق آن حقیقت دعاست. به طور کلی،

می‌توان طلب فیض و کمال وجودی و یا توجه خدا را به‌سوی بنده، به‌عنوان متعلق طلب (مطلوب) ذکر کرد؛ به این صورت که موجود ناقص و ممکن، که سراسر وجودش را نقص و فقر (فاطر: ۱۵) فراگرفته است، دائماً نیازمند کسب فیض و کمال از سوی خداوند است. وقتی عبد این حالت را در خود بیابد، با تمام وجودش از خداوند غنی (فاطر: ۱۵) طلب فیض و کمال و رفع نقص می‌نماید: «أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَيْكَ، فَاجْبُرْ فَأَقْتَنَّا بِوَسِيكَ» (علی بن حسین علیه السلام، ۱۳۷۶، ص ۶۰) که این طلب گاه با توجه ذاتی، گاه حالی، گاه ظاهری و گاه باطنی صورت می‌گیرد (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۷). از این رو، تمام موجودات و ممکنات، به این دلیل که ممکن هستند و فقر وجودی (فاطر: ۱۵) دارند، برای رفع فقر و دریافت فیض و کمال، رو به‌سوی خدا می‌آورند (رحمن: ۳۶).

بنابراین، مؤلفه‌های اصلی حقیقت دعا، توجه و روی‌آوری به‌سوی خداوند و طلب توجه و فیض خداوند است.

مؤلفه‌های مکمل حقیقت دعا

برای تحقق حقیقت دعا، شرایط و لوازمی وجود دارد که باوجود آنها، حقیقت دعا محقق خواهد شد. در واقع، ما از این شرایط و لوازم، به «مؤلفه‌های مکمل» تعبیر کنیم. دو مؤلفه اصلی، مؤلفه‌های بنیادین و حداقلی در حقیقت دعا و به تعبیر دیگر، مقوم حقیقت دعا هستند. اما مؤلفه‌های مکمل یا تعالی‌بخش، در واقع مؤلفه‌هایی هستند که حقیقت دعا را کامل کرده، آن را از حالت حداقلی، به‌مراتب بالاتری از آن سوق می‌دهند. بنابراین، مؤلفه‌های مکمل، هرچند با نبودشان حقیقت دعا از بین نمی‌رود، اما برای دست یافتن به‌مراتب قابل قبولی از حقیقت دعا، نیازمند این مؤلفه‌های مکمل هستیم. این مؤلفه‌ها، که به‌طور معمول به‌عنوان شرط یا لوازم ذکر می‌شوند، عبارت‌اند از:

توجه قلب

یکی از مؤلفه‌های مکمل حقیقت دعا، توجه قلبی به مطلوب است، به‌گونه‌ای که آن خواسته و مطلوب از عمق جان شخص مورد درخواست قرار گیرد. پیامبر صلی الله علیه و آله در ضمن حدیثی به این نکته اشاره کرده و می‌فرماید: «و بدانید همانا خداوند دعایی که از قلب مشغول (بدون حضور قلب) صورت گیرد را اجابت نمی‌کند» (نوری، ۱۴۰۸، ص ۱۹۱). این توجه قلبی به‌سوی خداوند است که علامه طباطبایی به آن نکته در بیان دعا اشاره می‌فرماید و حقیقت دعا را بر خواستن طلب از قلب و زبان فطرت می‌داند، نه آنکه زبان هر طور خواست حرکت داده شود (طباطبایی، ۱۴۲۲، ص ۳۳). بنابراین، یکی از مؤلفه‌های حقیقت دعا، توجه قلبی است.

مطلوب فطری

حقیقت دعا، در واقع مختص به زبان نیست، بلکه آن چیزی است که فطرت انسان بر اساس نیاز خویش آن را مطالبه می‌کند. علامه طباطبایی در تعریف حقیقت دعا، علاوه بر توجه و حامل بودن قلب، درخواست با زبان فطرت را نیز جزء دعا می‌داند (طباطبایی، ۱۴۲۲، ص ۳۳). از این رو، دعا منحصر به خواندن و خواستن زبانی نیست، بلکه آن

است که با زبان استعداد و فطرت از خدا خواسته شود و لقلقه زبان، دعا نخواهد بود. فرق این مؤلفه، با مؤلفه قبلی این است که در اولی، مسئله توجه شخص به مطلوب و خدا مطرح است؛ به این معنا که دعا را با قلب غیرمتوجه به خدا، نباید خواند، بلکه باید حضور قلب داشت. اما در مؤلفه دوم، سخن در صرف توجه نیست، بلکه مرتبه درخواست اشاره به درخواست فطری دارد؛ به این شکل که انسان آنچه را فطرتاً نیازمند است، به شکل آگاهانه و یا حتی به صورت ناخودآگاه از خدا با زبان فطرت مطالبه می‌کند.

آنچه از مفهوم دعا گذشت، این بیان، مفهومی توسعه‌یافته از دعا است که شامل دعای تکوینی نیز می‌شود. خداوند حتی آنچه زبان در آن دخالتی ندارد را هم سؤال برشمرده و در قرآن کریم می‌فرماید: «همه آنچه را که درخواست نموده‌اید، به شما عطا کرده است» (ابراهیم: ۳۴). انسان‌ها همه نعمت‌های بی‌شمار الهی را با زبان ظاهر درخواست نکرده‌اند، بلکه با زبان نیاز و با زبان فطری و وجودی، درخواست نموده‌اند. خدا می‌فرماید: «تمامی کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از او درخواست می‌کنند» (رحمن: ۲۶). از این رو، دعای حقیقی دعایی است که برخاسته از فطرت انسان باشد. همان طور که دعای فطری از اجابت تخطی نمی‌کند (طباطبایی، ۱۴۲۲، ص ۳۳).

عبودیت و تذلل

یکی دیگر از مؤلفه‌های حقیقت دعا، اظهار عبودیت و تذلل به محضر خداوند است. در واقع، بنده به‌وسیله قرار دادن خود در مقام بندگی و مملوکیت، رحمت و عنایت خدا را به‌سوی خویش معطوف می‌نماید (طباطبایی، ۱۴۲۲، ص ۳۷). این همان دعاست. از این رو، دعا مخ عبادت تلقی می‌شود (عاملی، ۱۴۲۹، ص ۲۷)؛ چرا که انسان در عبادت اظهار تذلل و خشوع و بندگی نسبت به پروردگارش دارد. در واقع، فرد به‌هنگام دعا خود را در مقام عبودیت (ابن‌مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۷۴) و مملوکیت (همان) و وابستگی به مولایش می‌بیند، اظهار تذلل می‌نماید (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۶۷) و از این طریق، عنایت و رحمت خدا را معطوف به خود می‌کند.

توحید

با توجه به نکاتی که در عنصر طلب فیض و کمال مطرح شد، می‌توان گفت: اصل دعا و سؤال، بیانگر نیاز و عدم استقلال نیایشگر است. سؤال نیز وقتی حقیقی خواهد بود که مسؤل، یعنی شخص سؤال شده، منبع مستقل و غنی باشد که برابر ادله توحید، آن مسؤل مستقل تنها خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۵۴۳). بنابراین، اگر دعایی دارای مؤلفه‌های مذکور سابق باشد، اما فاقد این مؤلفه باشد، حقیقت دعا محقق نخواهد شد. چنانچه خداوند می‌فرماید: «دعا و نیایش کافران چیزی جز گمراهی و سردرگمی نیست» (رعد: ۱۴). باید توجه داشت که حقیقت دعا زمانی تحقق می‌یابد که سؤال و طلب حقیقی باشد، این سؤال، آنگاه حقیقی خواهد بود که از ذات پروردگار غنی (طوسی، ۱۳۸۵) باشد. منبع کامل فیض است، صورت گیرد، الا درخواست از غیر، سؤال حقیقی نخواهد بود (رعد: ۱۴).

Archive of SID

روی آوری خدا به انسان و در محضر او بودن

با توجه به اینکه دعا یک رابطه دوجانبه بین بنده و پروردگار است، تا کششی از سوی معبود نباشد، کوشش عبد به جایی نمی‌رسد. از این رو، دعا متضمن این است که خدا به انسان رو کند: «حقیقت دعا برای آن است که خدا انسان را به حضور بپذیرد و انسان او را زیارت کند» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۶). از این رو، در مناجات شعبانیه عرضه می‌شود: «أَقْبِلْ عَلَيَّ إِذَا نَجَيْتُكَ» (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۹۶). در واقع، هدف از مناجات این است که خداوند به عبد رو کند، نه برای آنکه چیزی به عبد بدهد. این روی آوری خدا به انسان، در بیان امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «همانا خدا به تو اذن دعا کردن داد و ضمانت اجابت نمود» (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۳۹۸)، به این معنا است که ابتدا خداوند است که به انسان روی می‌آورد و اجازه می‌دهد که انسان دعا کند، سپس این انسان است که در سایه این اذن، موفق به دعا می‌شود.

با توجه به نکته پیشین، حقیقت دعا برای این است که انسان در محضر خداوند باشد و خداوند انسان را به حضور بپذیرد؛ یعنی حقیقت دعا در واقع رو آوردن به حضرت حق و حضور در نزد اوست که نتیجه آن، شاهد دیدن خدا و برقراری پیوند با اوست (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۳۶).

بر اساس این بیان، غایت و حقیقت و روح دعای انسان، این است که خود را در محضر حضرت حق ببیند و او را شاهد خود بیابد که با او پیوندی خاص برقرار می‌کند.

بنابراین، حقیقت دعا از دو مؤلفه اصلی روی آوری به سوی خدا و طلب فیض و عنایت تشکیل یافته است. برای تحقق این حقیقت، شرایط و مؤلفه‌های مکملی لازم است که عبارتند از: توحید، توجه قلبی، فطری بودن مطلوب و عبودیت و تذلل. غایت و هدف از حقیقت دعا، این است که خداوند متعال به انسان روی آورد و انسان را به حضور خویش بپذیرد. در این صورت، حضور یافتن در محضر خداوند، غایت نهایی حقیقت دعا خواهد بود.

ب. دعا در کاتولیک

قاموس کتاب مقدس، دعا را صحبت و گفت‌وگو کردن با خدا و خواستن احتیاجات و اظهار تشکر و امتنان برای الطاف و مراحم حق تعالی است می‌داند (هاکس، ۱۳۸۳، ص ۸۸۷).

بر اساس *دایرةالمعارف* جدید کاتولیک، دعا به معنای درخواست چیزهایی است که مربوط به رستگاری (نجات) است (دایرةالمعارف جدید کاتولیک، ۲۰۰۳، ص ۲۹۳). *آکویناس* معنای اولیه از دعا را درخواست و طلب کردن یا عرض حال و تضرع می‌داند (آکویناس، ۲۰۰۷، ص ۴۹).

اما در *SID* *معنای اصطلاحی*، کتاب مقدس حدود ۶۵۰ بار در مورد «صلاة» سخن گفته است. علاوه بر *مزامیر* که کتابی مستقل برای دعاست و از آنها ۴۵۰ دعا دارای استجابات‌های ثبت شده است (لوکیر، ۱۹۹۸، ص ۵).

در تعریف اصطلاحی دعا، تعبیرهای مختلفی مطرح شده است: *آکویناس* از شرح *یوحنا دمیثقی* نقل می‌کند که: «دعا درخواست چیزهای مناسب از خداوند است» (*آکویناس*، ۲۰۰۷، ص ۴۹). در تعبیری دیگر، دعا به معنای درخواست چیزهایی که مربوط به رستگاری (نجات) است، بیان شده است (*دایرةالمعارف ادیان جهان*، *دایرةالمعارف کاتولیک*، ۲۰۰۷، ص ۵۲۵).

نویسنده کتاب *اسرار حیات ایمان* دعا را چنین تعریف می‌کند: «دعا سخن گفتن با خداوند است. همان‌گونه که با انسان دیگر سخن می‌گوییم. پس دعا این است که ایمان داشته باشیم که خدا شخصی است که به ما گوش می‌دهد و به ما پاسخ می‌دهد» (*تیودول ری*، ۱۹۸۶، ص ۵۰۱).

کتاب *دعای کاتولیک* توجه فکر و ذهن به سوی خداوند را در تعریف دعا قرار می‌دهد. «دعا به معنای گفتگوی بین دو شخص - خدا و انسان - است. این گفتگو، قطعاً با گفتگوی معمولی بین دو انسان تفاوت دارد. به جهت اینکه در دعا، ما ابراز عشق و توجه فکر و ذهن را فقط معطوف به خدا می‌نماییم» (*کتاب نماز*، ۱۹۵۴، ص ۵). *آکویناس* معتقد است: در معنای کلی می‌توان دعا را شامل تمام بخش‌های صحبت کردن با بالا است. اما از جهت خاصی، معنای آن صعود ذهن به سوی خدا است (*آکویناس*، ۲۰۰۶، ص ۱۰۱).

از آنچه گذشت می‌توان گفت: عناصری مانند گفتگو با خدا و درخواست و صعود ذهن به سوی خدا، در غالب تعبیرها بیان شده است. از سوی دیگر، *آکویناس* معتقد است: در اکثر دعا‌های کلیسا عنصر درخواست، حاجت خواستن، شفاعت، سپاسگزاری وجود دارد. از این‌رو، می‌توان تعریف جامعی را برای دعا از نظر کاتولیک بیان کرد: دعای کاتولیک عبارت است از: سخن گفتن با خدا که این گفتگو در قالب برکت و پرستش (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۶۷۸)، درخواست (*آکویناس*، ۲۰۰۶، ص ۹۹)، حاجت‌خواهی، شکرگزاری، شفاعت صورت می‌گیرد. این گفتگو، صعود ذهن به سوی خداست (*دایرةالمعارف جدید کاتولیک*، ۲۰۰۳، ص ۵۹۳) که در آن انسان توجه، فکر و عشق خود را متوجه خدا می‌کند (*کتاب نماز*، ۱۹۵۴، ص ۵).

مؤلفه‌های اصلی حقیقت دعای کاتولیکی

از نظر کاتولیک، دعا در عهد قدیم یک فرآیند دو سویه از جانب خدا و بنده است که به شکل نوعی پیمان ظاهر می‌شود. این پیمان، از طریق اعمال مثل قربانی کردن و کلماتی که انسان در ارتباط با خدا انجام می‌دهد، موجب توجه قلبی انسان به خدا می‌شود. این نحو ارتباط، در طول تاریخ نجات دیده می‌شود (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۶۲). از نظر تعلیم کاتولیکی، این نحوه ارتباط دعا است که در آن زمان، به این صورت انکشاف و نمود داشت. به عنوان مثال، دعای یعقوب، که به شکل کشتی گرفتن با شخص رازآمیزی و تبرک کردن یعقوب توسط آن شخص صورت می‌گرفت (همان، ص ۶۶۳) و نیز سخن گفتن حضرت موسی علیه السلام با خداوند از طریق بوت‌ه آتشین از جمله این دعاهاست. اینها به عنوان یکی از نمادهای اصلی دعا در سنت معنوی یهودیان و مسیحیان باقی مانده است (همان، ص ۶۶۴). تا این‌جا دعا در واقع نوعی ارتباط دو سویه تلقی می‌شود که اعم از مناجات و راز و نیاز، یا

قربانی و یا هر عمل مقرب به درگاه خداوند تلقی می‌شد. دعای ایلیا (اول پادشاهان ۱۸، ص ۳۸) و داوود، که در مزامیر منعکس شده است، مرحله دیگری از دعاست که حالت دعای اصطلاحی را به خود گرفته و از استعمال دعا به شکل سابق آن، فاصله گرفته است. داوود، به‌عنوان نخستین پیامبر دعای یهودیت و مسیحت شناخته می‌شود (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۶۵). مزامیر داوود دعاهایی است که مسیح نیز آن را می‌خواند و تحت تأثیر آن بود (اندرهیل، ۱۳۸۴، ص ۴۵) و حتی برای توضیح رسالتش، از آن کتاب بهره می‌برد (گوردن اس، ۱۳۸۱، ص ۷۳). این دعاهای مزامیر، برای دعای کلیسا امری اساسی باقی ماند (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۶۷). در این کتاب، از نظر کاتولیک‌ها کلام خدا به دعای انسان تبدیل شد؛ چرا که کلمات مزامیر که برای خدا سروده شده بودند، کارهای نجات‌بخش خداوند را بیان می‌کنند و الهام‌بخش این آثار خدا و پاسخ انسان است. از این‌رو، مزامیر پیوسته روش چگونگی دعا کردن را آموزش می‌دهد (همان).

در بررسی دعاهای عهد جدید، به‌خصوص دعای خداوند (متی ۶: ۱۳-۹؛ لوقا ۱۱: ۲-۴) که به باور کاتولیک خلاصه‌ای از تمام انجیل و نقطه مرکزی متون مقدس و کامل‌ترین دعاست (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۷۱۳) و نیز دعای کاهنی (ساعت) (لوقا ۲۳: ۳۴) عنصر اصلی را «توجه به سوی خدا» و «طلب» از حضرتش در قالب‌های متفاوت می‌بینیم.

با توجه به تعریف‌های لغوی و اصطلاحی دعا و نیز دعاهای اصلی مسیحیت، می‌توان گفت: هسته اصلی و مرکزی دعا، که همان حقیقت دعاست، عبارت است: کشاندن ذهن و قلب آدمی به سوی خدا، یا درخواست امور خیر از خداست (دایرةالمعارف جدید کاتولیک، ۲۰۰۳، ص ۵۹۳). بنابراین حقیقت دعا در کاتولیک روی‌آوری به سوی خدا و طلب امور خیر است که گوهر اصلی دعاست. این روی‌آوری، که از آن تعبیر به «صعود ذهن» و «فکر» به سوی خدا و درخواست امور خیر می‌کنند، مؤلفه‌های اصلی حقیقت دعای کاتولیک هستند. اما علاوه بر این، دو مؤلفه اصلی، حقیقت دعا داری شرایط و مؤلفه‌های مکمل و غایتی است که به آنها پرداخته می‌شود.

مؤلفه‌های مکمل حقیقت دعا

حامل سرّ عظیم

دعا سرّ ایمان است (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۶۵۹)، بدین معنا که دعا حامل سرّ اعتقاد به خدای قادر مطلق پدر و عیسی علیه السلام خدای پسر است؛ سرّ و اعتقادی که کلیسا در اعتقادنامه رسولان به آن اعتراف می‌کند: «من ایمان دارم به خدا، پدر قادر مطلق، خالق آسمان‌ها و زمین و به عیسی مسیح یگانه پسر او، خداوند ما...» (همان، ص ۹۶). این سرّ در آیین عبادی فیض بخش و دعا، مورد توجه قرار می‌گیرد (همان، ص ۶۹۵). این سرّ در واقع همان تثلیث اقدس است. دعای مسیحی، الهام گرفته از اعتقاد تثلیثی مسیحی و مبتنی بر تثلیث است؛ یعنی علاوه بر عرضه دعا، به درگاه خدای پدر، به محضر عیسی علیه السلام نیز دعا می‌شود. در یوحنا آمده است که عیسی می‌فرماید: «تاکنون به اسم من

چیزی طلب نکردید؛ بطلبید تا بیابید و خوشی شما کامل شود» (یوحنا ۱۶: ۲۴). هر چند که مخاطب اصلی دعای کلیسا، در اصل خداوند است، اما عهد جدید و کلیسا، مخاطب دعا را علاوه بر خداوند، شامل عیسی و روح القدس می‌دانند. کاتولیک معتقد است: هیچ راه دیگری در باب دعای مسیحی، به‌غیر از راه مسیح وجود ندارد (همان، ص ۶۸۷). از سوی دیگر، در دعای سنتی «بیا ای روح القدس»، روح القدس مورد خطاب و دعا قرار می‌گیرد. «ای روح القدس بیا، قلوب ما را از خود سرشار و با آتش محبت خویش شعله‌ور نما» (کتاب نماز، ۱۹۵۴، ص ۲۴). همچنین، هدایت و حمایت از روح القدس در دعاهایی که او را مخاطب قرار می‌دهند، خواسته می‌شود (کتاب نماز، ۱۹۵۴، ص ۲۸). در واقع روح القدس الوهیت دارد (خاچیکی، ۱۹۸۲، ص ۵۷؛ خواص، ۱۳۹۲، ص ۲۴۰). از این رو، دعای مسیحی دارای سه مخاطب خدای پدر، پسر و روح القدس است. بنابراین، یکی از مؤلفه‌های مکمل حقیقت دعا، در بر داشتن سر مسیح است. که اصول اعتقادی مسیحی (ر.ک: لوقا ۲۳: ۳۴) را در خود جای داده است. در دعا این اعتقادهای، که شامل اقرار به ایمان به خدای پدر و پسر و روح القدس است، بیان می‌شود و خداوند مورد ستایش قرار می‌گیرد.

محبت

«محبت» از مؤلفه‌های بسیار مهم و مورد تأکید مسیحیت است. بر اساس یوحنا، عیسی محبت را فرمان جدید می‌داند (ر.ک: یوحنا ۱۳: ۳۴). محبت از همه فضایل والاتر و نخستین فضیلت الهی است (اول قرتیان ۱۳: ۷-۴). از نظر کاتولیک‌ها، محبت همان پاسخی است که باید به مسیح در قبال محبت او و عمل نجات‌بخش خدا بدهیم. این امر از طریق دعا صورت می‌گیرد: «دعا پاسخ ایمان است به وعده بلاعوض نجات و نیز پاسخی است از روی محبت به تشنگی تنها پسر خدا» (ر.ک: یوحنا ۷: ۳۷-۳۹). چنان محبت در دعای کاتولیک مورد اهمیت است که محبت اوج و سرچشمه دعا تلقی شده است:

دعا که در حیات آئین‌های عبادی شکل می‌گیرد، همه چیز را به محبتی سوق می‌دهد که ما در مسیح مورد محبت واقع می‌شویم و می‌توانیم با محبت کردن به او، آن‌طور که او ما را محبت می‌کند، به او پاسخ دهیم. فقط محبت سرچشمه دعا است. هر کس که محبت او را جذب کند، به اوج دعا می‌رسد (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۶۸۵).

بنابراین، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مکمل حقیقت دعا محبت است؛ محبتی که از خدا به‌وسیله اعمال نجات بخشش توسط مسیح شروع و انسان آن را پاسخ می‌دهد (کیرتس سیم، ۱۹۹۹، ص ۱۶۶). نویسنده کتاب *الصلاة فی الحیاة* در مورد دعا و جایگاه محبت در آن، چنین می‌نویسد: «پس دعا بالا رفتن یا صعود به جهت پیدا کردن خدا یا مجذوب شدن به او نیست، بلکه دعا نزول به اعماق قلب است. آنجا که دو کرانه دور دست به هم می‌رسند. کرانه محبت خدا با کرانه ایمان ییاشگر» (لافرانس، ۱۹۸۹، ص ۱۰). این گونه دعا مربوط به کسانی است که اکنون فرزند خدا، به سبب ایمان و غسل تعمید شده‌اند و گناهکاری بودند که آمرزیده شده‌اند. بنده این محبت خدا را با محبت

خود لیبیک می‌گوید. از این‌رو، وقتی از قدیس تریزای کوچک می‌پرسند: در دعا چه می‌گویی؟ پاسخ می‌دهند: «من چیزی نمی‌گویم، بلکه او را دوست می‌دارم» (همان، ص ۱۳)؛ بدین معنا که نیازی نیست مطلبی گفته شود، بلکه فقط عمل محبت در دعا کافی است.

الهام روح القدس

راه نیل به تقدّس و تقرّب به خدا، کسب فیض از خداوند است که از نظر کاتولیک، فیض و لطف الهی تنها از راه آیین‌های مقدس کلیسایی تحصیل می‌شود (بوش، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۸۸). شاعر و آیین‌های مقدس ابزار هاستند که موجب می‌شوند فیض الهی شامل حال انسان شود (کرنز، ۱۹۹۴، ص ۹۵). کلیسای کاتولیک بر این باور است که آیین‌های هفت‌گانه، نشانه‌هایی ظاهری و قابل مشاهده از یک واقعیت درونی و ناپیدا (کاکس، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱) و فیض نامشهود هستند و تا حدی به‌مثابه مجرای فیض عمل می‌کنند که هدف آیین‌های مقدس، مقدس ساختن انسان‌هاست (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۳۳۵).

از نظر سنت کلیسایی، یکی از کارهای روح‌القدس این است که نقش تعلیم‌دهنده (افسیان ۶: ۱۸-۱۹) را برای کلیسا دارد. همه‌چیز را به کلیسا می‌آموزد و آنچه را عیسی گفته است، به آنها یادآوری می‌کند. از جمله این موارد، مسئله دعاست: «روح‌القدس از طریق انتقال زنده (سنت مقدس) در کلیسای با ایمان و دعاگو به فرزندان خدا می‌آموزد که چگونه دعا کنند» (مفتاح و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۸۴).

در واقع، روح‌القدس الهام‌بخش کلیسا در حیات دعا است. او شکل‌های اساسی دعا را به کلیسا الهام می‌کند. این بدان جهت است که از نظر کاتولیک، روح‌القدس حکم روح و اکسیری را دارد که در قلب فرد نیایشگر وارد می‌شود و اثر می‌گذارد: «روح‌القدس آب حیاتی است که در قلب شخص دعاکننده تا حیات جاودانه می‌جوشد» (همان). بنابراین، روح‌القدس نقش معلم را برای کلیسا ایفا می‌کند و سرّ مسیح را توسط دعا و در قالب شعائر جدید به کلیسا الهام می‌کند. این شاعر، در سنت‌های عبادی و روحانی مهم رشد و گسترش می‌یابد (همان، ص ۶۷۸). شکل‌های اساسی دعا، که توسط روح‌القدس به کلیسا الهام شده است، عبارت‌اند: از دعا‌های برکت، حاجت، شفاعت، شکرگزاری و ستایش. این شکل‌ها در متون مقدس رسولی و رسمی آشکار شده‌اند که به‌عنوان معیار دعای مسیحی باقی می‌مانند (همان).

در دعای سنتی، «بیا ای روح‌القدس» (کتاب نماز، ۱۹۵۴، ص ۲۴) روح‌القدس مورد خطاب و دعا قرار می‌گیرد. همچنین هدایت و حمایت از روح‌القدس، در دعا‌هایی که او را مخاطب قرار می‌دهند، خواسته می‌شود (همان، ص ۲۸). از این جهت دیگر محوریت روح‌القدس در دعا، این است که حتی وقتی به درگاه عیسی دعا می‌شود، این روح‌القدس است که نیایشگر را به راه دعا می‌کشاند. از این‌رو، روح‌القدس را هدایگر (افسیان ۶: ۱۸-۱۹) و

معلم دعا (لافرانس، ۱۹۸۳، ص ۱۱) می‌داند، به‌گونه‌ای که او حکم دروازه ورود به دعا را دارد؛ بدین معنا که در اول قرن‌تین می‌گوید: «احدی جز به روح‌القدس عیسی را خداوند نمی‌تواند گفت» (اول قرن‌تین ۱۲: ۳).

جهت دیگر محوریت روح‌القدس در دعا، این است که محبت، یعنی سرچشمه دعاست (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۶۸۵) از جانب روح‌القدس به درون انسان افزوده می‌شود (لافرانس، ۱۹۸۹، ص ۱۱). جان لافرانس در این زمینه می‌گوید: «پس روح‌القدس قلب ما را پاک می‌نماید، چرا که در ما محبت را می‌دمد» (همان). بنابراین محبتی که به‌وسیله روح‌القدس در دل انسان دمیده می‌شود، موجب پاک شدن قلب نیایشگر می‌شود. از آنجا که محبت سرچشمه دعاست، باید روح‌القدس این محبت را الهام نماید، تا حقیقت دعا تحقق یابد.

غایت حقیقت دعا

پاسخ ایمان به‌صورت پیوند زنده با خدا

از نگاه آگوستین قدیس، انسان گدای درگاه خداست (آگوستین، ۲۰۰۶، ص ۳۸۱). از نظر او، دعا مواجهه عطش خدا با عطش ما است و اینکه خدا تشنه است که ما تشنه او باشیم (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۶۶۰). از نگاه کاتولیکی، خداوند مشتاق و تشنه هدایت بشر است. این تشنگی هدایت انسان‌ها، در عیسی علیه السلام نیز وجود دارد. از این‌رو، وقتی دعا می‌کنیم، در واقع عطش خدا و عیسی را لیبیک گفته‌ایم؛ لیبیک به کارهای نجات‌بخش خداوند توسط عیسی. «دعا پاسخ ایمان است به وعده بلاعوض نجات و نیز پاسخی است از روی محبت به تشنگی تنها پسر خدا» (یوحنا: ۳۷-۳۹). این فرد مسیحی است که به‌وسیله دعای خود، پاسخی همراه با ایمان به عطش خدا و مسیح می‌دهد. این پاسخگویی، به شکل ارتباطی زنده و پویا با خداوند شکل می‌گیرد.

کاتولیک‌ها، دعا را یک نوع ارتباط از نوع عهد و پیمان میان خدا و انسان می‌دانند که در مسیح صورت می‌گیرد که عملی دو سویه از سوی انسان و خدا است که متوجه خدا است و منشأ آن، انسان و روح‌القدس است و در اتحاد با اراده بشری حضرت عیسی است (همان، ص ۶۶۱).

بر این اساس، دعا توسط انسان و با مشارکت و فیض‌بخشی روح‌القدس انجام می‌شود. مقصود آن، خدا و ارتباط با خدا است. در عین حال، متحد است با اراده بشری حضرت عیسی، که اراده بر انجام کارهای نیک و هدایت انسان‌ها است.

از این‌رو، می‌توان گفت: غایت در حقیقت دعا، همان پاسخ ایمانی به وعده بلاعوض نجات است که به شکل برقراری ارتباطی تازه و زنده با خداوند است. در این ارتباط، یک فرد مسیحی چون با تمسک به مسیح متحد شود (روسیان، ۱۵۶) در ارتباط با خدا مانند مسیح، که فرزند خدا بود و با خدا مناجات فرزند و پدری داشت، هر انسانی که متحد با مسیح شده است، فرزند خدا شده است. از این‌رو، می‌تواند این ارتباط را برقرار کند.

این ارتباط و اتحاد و پیوند با خداوند، صمیمی و فراگیر خواهد بود، به طوری که خدا انسان را در زمان و مکان دربر می‌گیرد. به تعبیر بهتر، مانند پدری که وارد اتاق طفلش می‌شود و مانند طفلی که بدون در زدن، وارد اتاق پدر شده و خود را روی روی او قرار می‌دهد (تیودول ری، ۱۹۸۶، ص ۵۰۴). از این‌رو، دعا باید متضمن این نحوه ارتباط برقرار کردن با خداوند باشد، به طوری که خدا انسان را در زمان و مکان فرا بگیرد، به گونه‌ای که هر زمان و هر مکانی، این ارتباط وجود داشته باشد.

این ارتباط، فارق از زمان و مکان، شخص را دربر می‌گیرد که حتی ذهن و قلب شخص را فرا می‌گیرد. از این‌رو، توجه قلب و ذهن به سوی خدا یا درخواست امور خیر از او را «حقیقت دعا» دانسته‌اند (دایرةالمعارف جدید کاتولیک، ۲۰۰۳، ص ۵۹۳).

بنابراین، حقیقت دعا از نگاه کاتولیک عبارت است از: صعود ذهن یا قلب به سوی خداوند و طلب امور خیر، که در واقع این صعود ذهن و این حرکت ارتباطی زنده و پویا بین انسان و خداست؛ حرکت محبتی که از خدا آغاز می‌شود و توسط انسان با محبت پاسخ داده می‌شود. این حرکت، پاسخ انسان است به وعده خدا و عمل نجات‌بخش او، که به شکل ارتباطی زنده و پویا بین انسان و خدا برقرار می‌شود. روح القدس الهام‌کننده و معلم آن است و سرّ فصیح را در خود دارد که سرچشمه و اوج این ارتباط محبت است. بنابراین، می‌توان گفت: مؤلفه‌های اصلی دعای کاتولیکی، صعود ذهن یا قلب سوی خدا یا طلب امور خیر است و حامل بودن سرّ عظیم، محبت، الهام روح القدس، از مؤلفه‌های مکمل حقیقت دعا بوده و غایت آن، پاسخ به وعده بلاعوض نجات خداوند از روی محبت و به شکل برقراری ارتباط زنده و پویا با خداوند است. به گونه‌ای که خداوند، همه زندگی، زمان و مکان ما را این ارتباط فراگیرد و ذهن و قلب به سوی خداوند بالا رود و متوجه او باشد.

تشابه و تمایز مؤلفه‌های حقیقت دعای شیعه و کاتولیک

گفته شد که حقیقت دعا از نظر شیعه، از دو مؤلفه اصلی و چهار مؤلفه مکمل و یک غایت برخوردار است. روی آوری به سوی خدا و طلب فیض و عنایت، دو مؤلفه تشکیل‌دهنده حقیقت دعا هستند. توحید، توجه قلبی، فطری بودن مطلوب و عبودیت و تذلل، مؤلفه‌های مکمل تحقق این حقیقت دعا می‌باشد. غایت آن، روی آوری خدا به انسان و حضور انسان در محضر خداست.

از نظر کاتولیک، حقیقت دعا عبارت است از: کشاندن ذهن و قلب آدمی به سوی خدا یا درخواست امور خیر از خداست.

حقیقت دعا در کاتولیک همان روی آوری به سوی خدا و طلب امور خیر است که گوهر اصلی دعاست. این روی آوری، که از آن تعبیر به «صعود ذهن» و «فکر» به سوی خدا و درخواست امور خیر می‌کنند، مؤلفه‌های اصلی

حقیقت دعای کاتولیک است و حامل سرّ عظیم بودن، الهام روح القدس و محبت مؤلفه‌های مکمل حقیقت دعا می‌باشد. غایت آن، پاسخ ایمان است که به شکل برقراری رابطه زنده با خداوند است. با بررسی این دو دیدگاه، وجوه افتراق و اشتراکی یافت می‌شود که به آنها می‌پردازیم:

موارد تشابه

۱. روی‌آوری یا صعود ذهن و قلب به سوی خدا

همان‌طور که گفته شده، دعا روی‌آوردن به سوی خداوند است که در ضمن آن، یاد و ذکر خداوند صورت می‌گیرد تا ذکر خداوند صورت نگیرد، روی‌آوری به خدا هم محقق نشده است. این روی‌آوری به سوی خدا، یکی از مؤلفه‌های مشترک میان هر دو مذهب در حقیقت دعا است؛ همان‌طور که در بیان حقیقت دعای کاتولیک، یکی از مؤلفه‌های اصلی آن صعود ذهن و قلب به سوی خداوند است. در واقع، تحلیل مفهوم دعا، چیزی جز طلب و خواستن نیست که مستلزم روی‌آوری به طرف مورد سؤال خواهد بود. این روی‌آوری گاه، برای خواستن حاجت یا بخشش و... است و گاهی، نفس سخن گفتن با معبود موردنظر است. در هر حالت، روی‌آوری به سوی خداوند محقق شده است.

۲. طلب فیض و امور خیر

مؤلفه اصلی دیگر حقیقت دعای شیعی، طلب و درخواست فیض و توجه از سوی خداوند، به بنده است. این عنصر نیز همان‌طور که بیان شد، مقوم اصلی دعای کاتولیکی است. این طلب و درخواست، در هر دو مذهب، به شکل حاجت‌خواهی، طلب بخشش و... نمود پیدا می‌کند.

این مؤلفه، در هر دو مذهب وجود دارد، به گونه‌ای که علامه طباطبایی حقیقت دعا را طلب رحمت از خداوند می‌داند (طباطبایی، ۱۴۲۲، ص ۳۳). در دعای کاتولیک نیز همین معنا مقوم حقیقت دعاست، به گونه‌ای که آکویناس در بیان تضرع، که آن را معنای اولیه دعا می‌داند، معتقد است: تضرع التماس برای جلب رحمت خداوند است (آکویناس، ۲۰۰۶، ص ۱۰۱).

بنابراین مؤلفه اصلی و مشترک حقیقت دعا در شیعه و کاتولیک «طلب و جلب رحمت و توجه خداوند» است. علاوه بر این، دو مؤلفه اصلی در مؤلفه‌های مکمل و غایت نیز تشابه‌هایی وجود دارد.

۳. توجه قلبی

در شیعه، تعبیر به توجه قلبی شده است و در تعبیر کاتولیکی، می‌توان از لحاظ اینکه توجه به خداوند را همراه با توجه ذهن و فکر قرین ذکر کرده‌اند، صعود ذهن و فکر به سوی خدا، همین معنا را در خود داشته باشد. در واقع، هر دو مذهب، با این نکته اساسی در دعا اذعان دارند: یکی از اساسی‌ترین عناصر دعای حقیقی، توجه و تمرکز قلب و فکر سوی خداوند است. این، همان مطلبی است که در روایات ما از آن تعبیر به «مستجاب نشدن دعا» با

«قلب لاهی» شده است و در کلام بزرگان مسیحی و کاتولیکی، تحت عنوان «صعود ذهن به سوی خدا» مطرح شده است.

۳. روی آوری خدا به انسان

در دعا از نظر هر دو مذهب، یک مؤلفه مشترک دیگری یافت می‌شود و آن روی آوردن خدا به انسان است. با توجه به اینکه دعا از نگاه شیعه و کاتولیک، عملی دوسویه است: یک طرف، خدا و طرف دیگر، انسان قرار دارد، صرف روی آوری انسان به خدا سبب تکوین حقیقت دعا نمی‌شود، بلکه لازم است آن سوی این فرآیند، خدا نیز به انسان روی آورد. از این رو، در دعای شیعی تعابیری دال بر این معنا یافت می‌شود که ابتدا، خداوند است که به انسان روی می‌آورد و اجازه می‌دهد که انسان دعا کند (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۹۸). در دعای کاتولیک نیز دعا عملی دوسویه است، حتی ابتدا خدا انسان را صدا زده است و این انسان است که در پاسخ خداوند و در مقام پاسخ، به دعا برمی‌خیزد.

از این رو، یکی از وجوه اشتراک دو مذهب، روی آوری خدا به انسان است.

۴. در محضر خدا بودن و شاهد دانستن خدا

از نظر شیعه شخص نیایشگر، خود را در محضر خدا می‌بیند و او را حاضر و شاهد بر خویش می‌یابد. دعای کاتولیک نیز این حقیقت را مغفول نداشته است و از آن تعبیر به «وجود رابطه‌ای زنده و پویا» در همه جا و همه زمان‌ها می‌کند؛ رابطه‌ای که در آن انسان عادت به حضور در پیشگاه خدای سه‌گانه پیدا می‌کند. در حقیقت، هر دو دیدگاه این نکته را دربر دارد که دعا باید به شکل یک رابطه حضوری و همیشگی بین انسان و خدا باشد؛ رابطه‌ای که می‌تواند همه زندگی انسان را فرا گیرد و زندگی انسان را سرشار از احساس حضور خداوند نماید.

موارد تمایز

علاوه بر وجوه تشابه حقیقت دعا از نظر شیعه و کاتولیک، وجوه افتراقی نیز دیده می‌شود که موارد افتراق، ناظر بر برخی شرایط حقیقت دعا هستند.

۱. توحید

یکی از تفاوت‌های بنیادین در دو مذهب، از نظر حقیقت دعا در مؤلفه توحید است. در تفکر اسلام و شیعی، خداوند یگانه مخاطب دعای انسان است و دعا وقتی حقیقت پیدا می‌کند که شخص مورد سؤال، غنی علی‌الاطلاق باشد. اما دعای کاتولیکی، مبتنی بر تثلیث است و هر چند که مخاطب اصلی دعای کلیسا در اصل خداوند است، اما عهد جدید و کلیسا، مخاطب دعا را علاوه بر خداوند، شامل عیسی و روح القدس می‌دانند و معتقد است: هیچ راه دیگری در باب دعای مسیحی، به غیر از راه مسیح وجود ندارد (مفتاح، ۱۳۹۳، ص ۶۸۷). از سوی دیگر، روح القدس مورد

خطاب و دعا قرار می‌گیرد (کتاب نماز، ۱۹۵۴، ص ۲۴). همچنین، هدایت و حمایت از روح القدس، در دعاهایی که او را مخاطب قرار می‌دهند، خواسته می‌شود (همان، ص ۲۸). در واقع روح القدس الوهیت دارد (خاچیکی، ۱۹۸۲، ص ۵۷؛ خواص، ۱۳۹۲، ص ۲۴۰). بنابراین، دعای مسیحی دارای سه مخاطب خدای پدر، پسر و روح القدس است. این مخاطبها، در واقع به نحو استقلال و در عرض هم مطرح هستند و این از نظر دعا، که عبادت تلقی شده است، به معنای شرک در عبودیت است. از این رو، دعای شیعی مبتنی بر توحید محض است. در حالی که دعای کاتولیک، مبتنی بر تثلیث است. این یکی از وجوه افتراق اصلی بین این دو مذهب، در این زمینه است.

۲. پاسخ انسان به عمل نجات خدا

کاتولیک معتقد است: دعا، پاسخ انسان به عمل نجات خداوند و محبت او، در حق انسان است. انسان با دعا، وعده و اعمال نجات بخش خدا را پاسخ داده، عطش خدا را لیبیک می‌گوید. از نظر شیعی، درست است که خداوند انسان را به دعا کردن فرا خوانده و وعده اجابت داده است (غافر: ۶۰)، اما به طور الزامی دعای انسان، به معنای پاسخ به وعده‌های نجات خدا نیست؛ بدین معنا که برخی از دعاهای شیعی، حاوی مضامینی از قبیل شکر و سپاسگزاری و طرح حاجت است. اما برخی از دعاهای، در واقع افق آنها بالاتر از طرح نیاز یا سپاسگزاری است. امیرالمومنین علیه السلام خدا را به خاطر بهشت یا جهنم عبادت نمود، بلکه خدا را از آن جهت که او را سزاوار پرستش یافت، عبادت کرد (کلینی، ۱۳۶۹، ص ۱۳۵). علی علیه السلام خداوند را شایسته عبادت می‌داند، فارغ از اینکه بهشت یا جهنم و یا هر امر دیگری در عبادت دخیل باشد و انگیزه‌های برای عبادت خدا، جز شایستگی خدا برای عبادت ندارد. درحالی که بر اساس بیان‌های کاتولیک، این دعا عملی محبت‌آمیز است که پاسخ خداوند است نسبت به نجات انسان.

۳. الهام روح القدس

یکی از تفاوت‌های دیگر حقیقت دعا در دو مذهب، ابتدای دعای کاتولیکی بر الهام روح القدس و تعلیم ایشان است، به گونه‌ای که شعائر عبادی و اشکال دعا را روح القدس، به کلیسا الهام می‌کند. درحالی که دعای مأثور شیعی، از منبع عصمت و منزل وحی سرچشمه می‌گیرد. در اینکه این الهام روح القدس، به عنوان دعا چگونه اتفاق می‌افتد، خود مسئله‌ای پیچیده است؛ چرا که این دریافت و الهام به صورت حضوری خواهد بود. از این رو، کلیسا در دریافت این نوع الهام، تا چقدر می‌تواند دارای عصمت باشد، نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد که این تحقیق در صدد آن نیست. اما دعاهای مأثور شیعی، چون از منزل وحی و منبع عصمت سرچشمه می‌گیرند، دارای غنا و محتوایی عالی هستند. که بالاترین مراتب توحید و معارف ناب را بیان می‌کند. از این رو، هم منبع آن مشخص است و هم محتوای آن. اما الهام بخش بودن روح القدس برای دعا، امری رازآلود است که نمی‌توان چندان در مورد آن سخن گفت و از کیف و کم آن مطلع شد. از این جهت‌ها دارای محدودیت هستیم.

Archive of SID

همان گونه که گفته شد، محبت یکی از مؤلفه‌های مهم دعای کاتولیکی است. کاتولیک‌ها دعا را حرکت محبتی می‌دانند که از خدا شروع شده و انسان با محبت به آن پاسخ می‌دهد. در واقع، دعای کاتولیکی مبتنی بر نوعی محبت بین انسان و خداست. در دعای شیعی، دعا از یکسو مبتنی بر عبودیت و تذلل است. همان طور که علامه طباطبایی دعا را جلب رحمت خدا از طریق قراردادن خود در مقام عبودیت و مملوکیت می‌داند (طباطبایی، ۱۴۲۲، ص ۳۷). از یکسو، اوج محبت و معرفت و حتی لقای الهی نیز در آن مطرح است. همان طور که در مناجات شعبانیه، از خداوند می‌خواهیم کمال انقطاع و پیوستن به خودت را به ما عنایت فرما (ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ص ۶۷۸).

بنابراین، دعای کاتولیکی بیشتر در بردارنده محبت است، اما دعای شیعی افزون بر عنصر محبت، دارای عنصر ترس و خوف به صورت توأمان است (اعراف: ۵۶).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد، این نتیجه به دست می‌آید که مؤلفه‌های اصلی حقیقت دعا از نظر شیعه و کاتولیک، روی‌آوری انسان به خدا، طلب توجه و عنایت و رحمت است که با هم مشترک و هم پوشانی دارند. افزون بر آن، توجه قلب در هر دو دعا مؤلفه مکمل است. از نظر غایت نیز در محضر خدا بودن و شاهد دیدن خدا، با برقراری پیوند زنده با خداوند و احساس حضور در نزد او، در هر دو مذهب با هم تشابه دارد.

در مؤلفه مکمل، ابتدای دعای شیعی بر توحید، با دعای کاتولیک که مبتنی بر تثلیث است، متفاوت خواهد بود و این فرق اولیه و مبتنی بر نگاه الهیاتی هر کدام است. یکی دیگر از مؤلفه‌های حقیقت دعا، این است که کاتولیک حقیقت دعا را پاسخ انسان به خدا می‌داند. شیعه این مسئله را به شکل «موجبۀ جزئیۀ» قبول دارد، اما به شکل «موجبۀ کلیه» نمی‌پذیرد؛ به این معنا که دعای شیعی اقلی بالاتر را برای انسان ترسیم می‌کند که بیان آن گذشت. الهام روح‌القدس برای دعا و آموزش دادن آن، از مؤلفه‌های مکمل مهم دعای کاتولیکی است. در مقابل دعای شیعی، ماثور از اهل بیت وحی سرچشمه می‌گیرد که هم منبع آن مشخص است و هم کم و کیف و محتوای آن، درحالی که دعای الهام شده از سوی روح‌القدس، دارای محدودیت کمی، کیفی و محتوایی و دارای ابهام و رازآمیزی خاصی است.

مؤلفه مکمل دیگر در دعای کاتولیک، محبت است. در تبیین این مسئله نیز گفته شد که دعای شیعی، دارای گستره‌ای وسیع‌تر است که شامل ابعاد خوف و رجاء می‌شود؛ بدین معنا که فقط مبتنی بر محبت نیست، بلکه عنصر تذلل و عبودیت و خوف نیز در دعای شیعی وجود دارد و کرانه‌های مختلفی از حاجت‌خواهی و ستایش، تا محبت خدا و تا کرانه‌های لقاء و فنای الهی را در خود جای داده است.

Archive of SID

- علی بن الحسین (امام چهارم)، ۱۳۷۶، *الصحیفة السجادیة*، قم، الهادی.
- ابن طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۹، *اقبال الأعمال* (ط - القديمة)، ج دوم، تهران، دار الکتب الإسلامية.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷، *عدة الداعی ونجاح الساعی*، قم، دار الکتب الإسلامی.
- ابن مشهدی، محمد بن جعفر، ۱۴۱۹، *المزار الكبير* (لابن المشهدی)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر.
- امینی، محمد، ۱۳۹۰، *نقش تربیتی نیایش از منظر قرآن و عهدین*، قم، دانشگاه ادیان.
- اولین اندرهیل، ۱۳۸۲، *عارفان مسیحی*، ترجمه احمد رضا مؤیدی و حمیدرضا محمودیان، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- باقری فر، علی، ۱۳۸۱، *پژوهشی در نیایش‌های قرآن کریم*، ج دوم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- بوش، ریچارد، کنت دالراهید، ۱۳۷۴، *جهان مذهبی ادیان در جوامع امروز*، ترجمه عبدالحجیم گواهی، قم، فرهنگ اسلامی.
- پارسانیان، حمیده، ۱۳۸۰، «حقیقت دعا»، *کتاب ماده دین*، ش ۴۴، ص ۴۹-۵۱.
- تیودول ری، مریمه، ۱۹۸۶، *الاسرار حياة الایمان*، تعریب الخوری یوسف زرغام، لبنان، منشورات قسم الیوتورجیا فی جامعة الروح القدس، الکسلیک.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۸، *حکمت عبادات*، قم، اسراء.
- خاچیکی، سارو، ۱۹۸۲، *اصول مسیحیت*، بی‌جا، حیات ابدی.
- خواص، امیر، ۱۳۹۲، *الوهیت در مسیحیت*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت - دمشق، دارالقلم - الدار الشامية.
- طباطبایی، محمدحسین، ۱۴۲۲، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۲ و ۱۰، بیروت. دار الکتب اعلمی.
- طوسی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۱، *مصباح المتهجد و سلاح المتعبد*، بیروت، مؤسسة فقه الشیعة.
- قرشی بنایی، علی اکبر، ۱۴۱۲، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
- کاکس، هاروی، ۱۳۷۸، *مسیحیت*، ترجمه عبدالحجیم سلیمانی اردستانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- کتاب مقدس، ۱۹۸۷، بی‌جا، انجمن پخش کتب مقدسه.
- کرنز، ارل، ۱۹۹۴، *سرگذشت مسیحیت در طول تاریخ*، ترجمه آرمان رشیدی، تهران، آموزشگاه کتاب مقدس.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، *أصول الکافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، ج ۳، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامیة.
- کورین، جان، ۱۹۹۳، *لینتوریجیة الینبوع*، ترجمه جورج الیاس عازار، بی‌جا، منشورات النور.
- لافراس، جان، ۱۹۸۹، *الصلاة فی الحیة*، ترجمه الاب البیرابونا، بغداد، مطبعة مطبعة التایمیس.
- لوکیر، هربرت، ۱۹۹۶، *کل الصلاة فی الکتاب المقدس*، ترجمه بهیج یوست، القاهرة، دارالثافة.
- المسیحیة فی اخلاقیاتها*، ۱۹۹۹، نشرة مجلس اساقفة کلیسة المانیة، ترجمه مطران کیرتس سیم بسترس، بیروت، منشورات المكتبة البولسة.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ۱۴ جلد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- مفتاح، احمد رضا، حسین سلیمانی و حسن قنبری، ۱۳۹۳، *تعالیم کلیسای کاتولیک*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ممدوحی کرمانشاهی، حسن، ۱۳۸۳، *تسهود و تسناخت*، قم، بوستان کتاب.
- موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۶، *شرح دعای سحر*، تهران، نشر آثار امام خمینی.
- نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۵، قم، مؤسسة آل البیت.

Archive of SID

Aquinas, Thomas, 2007, "Theology". *Summa*, Vol.39, Kevin D. O'Rourke O.

Encyclopedia Of World Religions Encyclopedia Of Catholicism, 2007, Frank k, Flinn J, Gordon Melton, Series Editor, Fucts On File.

New Catholic Encyclopedia, 2003, Second Editor For The Catholic University Of America Press.

The Catholic Missal, 1953, ed; John P. O'Connell, M.A., S.T.D, Chicago, The Catholic Press.

The Prayer Book, 1954, ed: Reveven, John P. O'Connell, M.A, S. T. D and Jex Martin, M. A, Chicago, The Catholic Press.